خراسان رضوی

صفحه آخر

چهارشنبه
۲۴ خرداد ۱۳۹۶
۱۹ رمضان ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۵۸۹

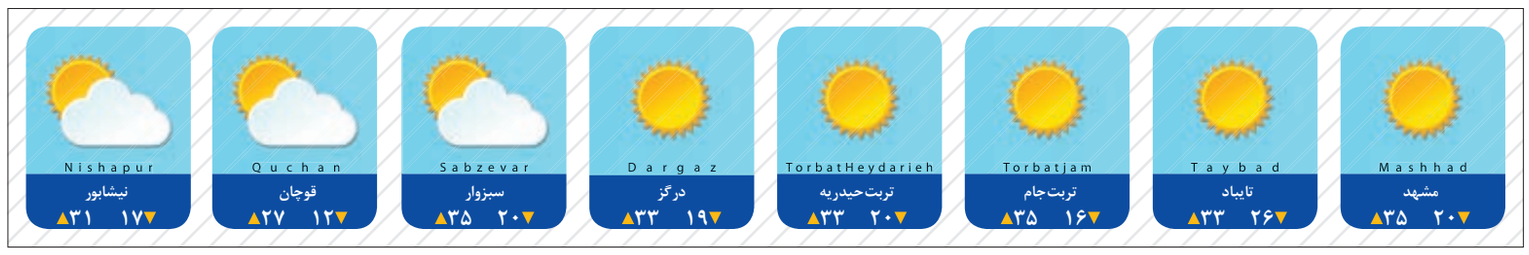

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

سخاوت و شجاعت خصلت های والایی هستند که خداوند سبحان آن دو را در وجود هر کس که دوستش داشته و او را آزموده باشد می گذارد.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۷۵، ح ۸۴۴۳

خراسان به روایت خراسان

۲۴ خرداد ۱۳۴۱

آیا مرده زنده شده بود؟

۵۵ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: صبح دیروز ناگهان شایع شد که مرد تازه در گذشته‌ای در مرده‌شوی‌خانه مشهد زنده شده، به آغوش خانواده خود بازگشته است.

خبرنگار ما به دنبال تحقیق درباره صحت این شایعه به اداره متوفیات رفته و چنین گزارش می‌دهد:

در حدود ساعت یازده و سی دقیقه بود که با رئیس اداره متوفیات تماس گرفتم. وی می گفت چنین خبری کاملا دروغ است و دست‌های شایعه‌پرداز این شهر یک چنین شایعه‌ای را با آن قوت به وجود آورده‌اند که نیم ساعت بعد از این جریان قریب ۵ تا ۶ هزار نفر زن و مرد و بچه در این جا اجتماع کرده بودند. خبرنگار ما اضافه می کند: پرسیدم نیم‌ساعت بعد از کدام جریان؟ و رئیس متوفیات در حالی که دستپاچه شده بود جواب داد؛ مقصودم جریان به خصوصی نبود بلکه منظورم نیم ساعت بعد از شروع شایعه بود. در این موقع خبرنگار ما به سروقت مرده‌شور مربوطه می‌رود و سوالاتی می کند ولی با جواب‌های بی‌سروته‌وی مواجه می‌شود. از جمله اینکه مرده‌شور می گوید من از صبح نبوده‌ام و سه نفر دیگر بوده‌اند. ولی از سه نفر مورد صحبت خبری نبود و از قرائن پیدا بود که همین مرده‌شور از صبح حاضر بوده و خودش مامور شستن مرده مورد بحث بوده است.

در این موقع جوانی به نام عباس به خبرنگار ما می گوید: از ساعت ۱۰ صبح این شایعه به وجود آمد و من از اولین کسانی بودم که این خبر را به این صورت شنیدم، مرده‌شور در حال شستن مرده بود که می بیند مرده تکانی خورد و در این موقع از شدت ترس به بیرون نمره می‌پرد و در حالی که زبانش بند آمده بود، چند نفر دیگر را متوجه ماجرا می کند و بدین ترتیب اساس شایعه مذکور به وجود می‌آید. به هر حال آن طوری که خبرنگار ما استنباط کرده است، یک چنین چیزی ممکن است وجود داشته و مرده تکانی خورده است، ولی آیا زنده شده و بعد مجددا مرده و یا بر اثر یک تحریک عصبی به وسیله مرده‌شور این تکان به او دست داده است، مطلبی است که خبرنگار ما نتوانسته در خصوص آن تحقیق بیشتری بکند چون هیچ یک از مسئولین اداره متوفیات و کارمندان این اداره حاضر به توضیح بیشتری نبوده و فقط می گفتند که این خبر اصلا دروغ است در حالی که صحت آن از قرائن و گفتار مردم هویدا بود.

مرده مذکور مردی بود که حدود ۵۰ سال عمر داشته و جز یک زن کس دیگری ندارد و گویا ساعت نُه و سی دقیقه صبح فوت می کند و به متوفیات حمل می شود.

در هر صورت مرده مجددا آماده دفن گردید و اکنون که این خبر را می خوانید شاید به خاک سپرده شده باشد.

مشهد #Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

پلیس روسیه از سرقت شمشیر متعلق به نادرشاه افشار از موزه کوباچی داغستان خبر داد.
به گزارش ایسنا، این حادثه عصر روز دوشنبه (۲۲ خرداد) روی داد و دزدان حرفه‌ای بیش از ۹۰ شیء باارزش از جمله مُهره‌های قدیمی، گلدان‌های نقره منقوش به استخوان و تصاویر استالین و کرملین را به سرقت بردند. هر چند کارشناسان معتقدند که نمی‌توان قیمتی برای شمشیر نادرشاه تعیین کرد، اما حداقل یک تا دو میلیون دلار در حراجی‌ها به فروش خواهد رفت. به گفته پلیس روسیه این موزه که در روستای کوباچی داغستان قرار دارد، فاقد نگهبان حرفه‌ای و آژیرهای خطر هشدار دهنده بوده است.

رضا قوچان‌نژاد بازیکن تیم ملی ایران نیز در صفحه اینستاگرامش این عکس را به اشتراک گذاشت. او در مصاحبه کوتاهی با علی ضیاء مجری تلویزیون گفت: این پیروزی را به مردم ایران در هر جای دنیا که هستند، تبریک می گویم و امیدوارم در جام جهانی روسیه هم بدرخشیم. او رقابت‌های تیم ملی ایران در بازی‌های مقدماتی این دوره از جام جهانی را کم‌استرس‌تر توصیف کرد.

واکنش مردم مشهد پس از صعود ایران به جام جهانی روسیه

هنرمندان خراسانی نظیر رضا عطاران، برزو ارجمند، ساره بیات، حجت اشرف‌زاده و... موفقیت تیم ملی در راهیابی به جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه را در صفحات شخصی خود تبریک گفتند و بازی ملی‌پوشان را ستودند.

حرف توی حرف

صالحی

مرور سه دهه فعالیت آموزشی استاد پیشکسوت قرآنی

سوغاتی پدر مرا شیفته کلام خدا کرد

سوغاتی پدر از سفر معنوی حج تمتع، مسیر زندگی کودک شش ساله‌اش را تغییر می‌دهد. شاید کمتر کسی گمان می‌برد که یک صفحه ساده گرامافون بتواند این کودک را تا مرحله استادی پیش ببرد. «سیدعبدالرضا معینی»، از همان روز تا حالا، عمرش را به واسطه آن جرقه کوچک، صرف تحصیل و تدریس آیات نورانی قرآن مجید کرده است. خودش باور دارد که گاهی یک تکانه نیاز است تا آدمی هدف زندگی‌اش را پیش چشمانش ببیند. با این استاد و مدرس بین‌المللی قرآن به بهانه این روزهای پُربرکت به گفت و گو نشستیم و او برای ما از فراز و نشیب‌های یک مسیر ۳۰ ساله گفت.

ماجراهای استاد شدنم

سیدعبدالرضا معینی، آخر اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۴۲ در خانواده‌ای مذهبی در منطقه کوهسنگی مشهد به دنیا آمد. پدرش، حاج سیدمنصور معینی مدرس رشته شیمی دانشگاه فردوسی مشهد بود. تسلط خاصی هم بر کلام!... مجید داشت تا حدی که به دانشجویان درس تفسیر می‌داد. این بستر مهیا به همراه تشویق‌های مداوم خانواده، فرآیند رشد فرزندشان را تسریع می‌کند.

همزمان با شش سالگی سیدعبدالرضا، پدرش به سفر حج مشرف می‌شود و برای او صفحه گرامافونی حاوی قرائت بعضی از سوره‌های قرآن کریم با صوت استاد عبدالباسط را سوغات می‌آورد. هدیه‌ای که هنوز به نشانه یادگاری از آن ایام حفظ کرده است. صوت زیبا و سلیس خوانی استاد مصری بر او کارگر می‌افتد و به قول خودش؛ لحن عبدالباسط او را شیفته کلام خدا می‌کند. با اینکه توانایی روخوانی نداشته، اما ساعت‌ها پای صوت قرآن می‌نشیند، فقط گوش می‌دهد و لذت می‌برد.

چند صباح بعد در هشت سالگی، کم کم با محفل قرآن محله آشنا می‌شود و به دعوت یکی از همسایگان، پایش به جلسات سه شنبه‌های استاد رضا کاشف قربان‌پور، از استادان قرآن مشهد باز می‌شود. در این دوره از وی مانند دیگران می‌خواهند، چند خطی قرآن بخواند و از قضا مورد تشویق حاضران قرار می‌گیرد. اتفاقی که به دومین تلنگر زندگی قرآنی این استاد مطرح قرآن کریم تبدیل می‌شود.

از ۱۴ سالگی هم اغلب شب‌ها برای ادای نماز جماعت همراه پدرش به حرم مطهر می‌رود و بعد از نماز در دوره قرآن استاد سیدحسین حافظیان شرکت می‌کند. معینی از یکی از همین شب‌ها و آشنایی با یک استاد، به عنوان نقطه عطف دیگری در سرنوشتش چنین تعریف می‌کند: «یکی از همین شب‌ها، مرحوم محمدعلی اوحدی در محفل قرآن حرم حاضر شدند و قرائت کردند. صوت استاد اوحدی در گوشم مانند صدای استاد عبدالباسط می‌نمود و مرا بسیار جذب خود کرد. همان هفته، با مراجعه به وی، در زمینه آموزش صحیح قرآن راهنمایی خواستم و استاد هم گفت؛ همراه آنهایی که بهتر می‌خوانند، خط ببرم، قرائتم خوب می‌شود. از آن تاریخ طوری با استاد محشور بودم که فقط برای خواب از ایشان جدا می‌شدم.»

وی ادامه می‌دهد: «با آغاز جنگ، به همراه استادان خود مهر مشهدی، اوحدی، نازدار، روغنی و محمدزاده در مراسم تشییع شهدا شرکت و در محافل‌شان قرآن تلاوت می‌کردیم. تا اینکه در ۱۷ سالگی تحصیل را رها کردم و به جبهه اعزام شدم. ۹ ماه در مناطق عملیاتی خدمت کردم و ضمناً آنجا هم سه وعده، قرائت قرآن و اذان را برعهده داشتم.»

این قاری و مؤذن ممتاز مشهدی، پس از بازگشت از جبهه برای ادامه تحصیل به تهران سفر و به مدت یک سال در دارالفنون در رشته تجربی تحصیل می‌کند. در همین دوران، یک دوره یک ساله زیر نظر مرحوم استاد ابراهیم پورفریب مولایی، از چهره‌های سرشناس قرآن کریم در مسجد شیخ فضل ا... نوری روی اختلاف قرائت کار می‌کند.

وی از ادامه مسیر پُرفراز و نشیب قرآنی‌اش این‌طور می‌گوید: «در ۲۲ سالگی به خدمت زیر پرچم فرا خوانده شدم و در این مدت به تبعیت از استادم اوحدی به حفظ قرآن مجید روی آوردم. سال ۱۳۶۴ همزمان با اخذ مدرک دیپلم، به عنوان قاری منتخب مسابقات قرآن کریم اوقاف به حج مشرف شدم.»

دود چراغ خوردم

از او ماجرای حافظ شدنش را جویا می‌شویم و در این باره می‌گوید: «استاد اوحدی گاهی تا یک ساعت قرآن را از حفظ در محفلی قرائت می‌کرد، این عادت وی همواره برایم جذاب و به نوعی، الگو بود. از این رو به حفظ علاقه‌مند شدم و با جدیت به دنبال آن رفتم. در مدت دو سال سربازی، با اجازه فرمانده، شب‌ها بعد از خوابیدن سربازان، زیر نور کم‌سوی چراغ حیاط قرارگاه یک ساعت، آیات یک صفحه از قرآن را حفظ و تثبیت می‌کردم.»

استاد معینی، از سال ۱۳۶۸ پس از گذراندن دوره ۲۰ روزه تربیت مدرس قرآن در تهران و کسب رتبه نخست از آزمون پایان دوره، بلافاصله در برگشت به مشهد جلسه «مکتب قرآن» را ویژه تربیت قاریان نوجوان راه‌اندازی می‌کند. در هر دوره، تعداد ۵۰ قرآن‌آموز شرکت می‌کردند ولی استاد معینی تنها پنج نفر شاگرد مستعد را به صورت تخصصی آموزش می‌داد.

وی می‌گوید، به استاد عبدالباسط ارادت قلبی دارد اما از هر کدام از سبک‌های استادان مصری نکات فنی خاص خودشان را برای تدریس برداشت می‌کند. از آن زمان تاکنون، قریب ۲۷ سال می‌گذرد و جلسات معینی ۱۲۵ شاگرد ممتاز را به جامعه قرآنی تحویل داده‌اند. امید حسن‌زاده و سیدمحمد مؤذنی، در شمار شاگردان برجسته این استاد قرآنی هستند.

او در فاصله سال‌های ۶۴ تا ۸۹، حائز عناوین برتر رقابت‌هایی مانند مسابقات سراسری رشته حفظ ۱۰ جزء، رتبه اول مسابقات سراسری رشته حفظ هشت جزء، رتبه سوم مسابقات سراسری رشته حفظ ۱۰ جزء، رتبه دوم مسابقات سراسری رشته حفظ ۱۰ جزء، رتبه دوم قرائت مسابقات بین‌المللی سوریه، رتبه اول قرائت مسابقات کیش در سال ۱۳۸۹ و نیز رتبه دوم قرائت مسابقات مناطق آزاد جمهوری اسلامی ایران شده است. همچنین استاد معینی از سال ۷۰ تاکنون، روز در میان صبح و شام در قامت مؤذن و قاری (و مناجات‌خوانی در گذشته)، مفتخر به خادمی آستان مقدس رضوی است.

یک درس قرآنی

این قاری و مؤذن حرم رضوی، تاکنون سفرهای قرآنی بسیاری را هم به دعوت کشورهای اسلامی از جمله اندونزی، ارمنستان، ترکمنستان، تاجیکستان، هندوستان، عربستان، امارات، تایلند، عراق، بحرین، قطر و اتریش داشته و در محضر بزرگان علم قرائت همچون راغب غلوش، ابوالعینین شعیشع و محمد عربی القبانی به تلاوت پرداخته است.

استاد معینی با ذکر دو نکته در رابطه با کیفیت برگزاری محافل قرآنی خاطرنشان می‌کند: «در حال حاضر شاهد رشد بی‌رویه کلاس‌های قرآنی موازی از سوی نهادهای فرهنگی در استان هستیم. در حالی که استاد به تعداد نیاز نداریم، وقتی به این جلسات وارد می‌شویم، شاهد حضور اندک و پراکنده قرآن‌آموزان هستیم. این همه در حالی است که نهادهای فرهنگی می‌توانند این دوره‌ها را تجمیع کنند تا هم شاگردان از حضور استادان خوب بهره ببرند و هم یک استقبال پُرشور، انگیزه‌ای برای ادامه کار مدرسان شود.» وی با توصیه‌ای قرآنی به سخنانش خاتمه می‌دهد: «آیات ۱۵ سوره فصلت و نیز ۲۶ سوره جاثیه با مضمونی نزدیک به هم، به انسان هشدار می‌دهد که هر آنچه بکاری، همان را درو می‌کنی. کاش بدانیم آنچه در زندگی بر ما می‌گذرد بخشی متوجه اعمال ماست. اگر به این باور برسیم، حتما گام‌های بعدی‌مان را با احتیاط بیشتری برمی‌داریم.»

یادداشت

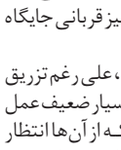

جلیل رحیمی جهان‌آبادی

عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی

پیشگیری از وقوع جرم نیازمند تدوین یک نقشه راه جامع

«احساس امنیت» لازمه یک زندگی اجتماعی است اما در سایه وقوع جرایم مختلف و در مواردی رشد آن‌ها، این احساس برای شهروندان عادی، گاه به یک حسرت بدل می‌شود. رشد آمار جرایم در کشورمان طی سال‌های اخیر، هشداری برای ماست که بدانیم در مسیر پیشگیری از وقوع جرم هنوز موفق به درمان ریشه‌ها نشده‌ایم پس تلاش‌ها و اقداماتی که در سایه این رویکرد انجام می‌دهیم، اثر لازم را ایجاد نمی‌کند.

عوامل متعددی کلان شهرهای کشور را با افزایش جرایم روبه‌رو کرده است. در شهری مثل مشهد، از سال‌ها قبل می‌شد پیش‌بینی کرد که رشد حاشیه‌نشینی، در مقطعی آسیب‌های جدی ایجاد خواهد کرد. یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر که معادل یک سوم جمعیت این شهر هستند، در حاشیه شهر زیست می‌کنند و مشکلات اقتصادی و بیکاری، آن‌ها را اسمت و سوی جرم سوق می‌دهد. متاسفانه بخشی از این جمعیت حتی فاقد شناسنامه هستند و عملا هویت خود را نیز قربانی جایگاه اجتماعی‌شان می‌بینند.

در این میان، بعضی نهادهای فرهنگی، علی رغم تزریق منابع مالی، در پیشگیری از وقوع جرم بسیار ضعیف عمل می‌کنند و نتوانسته‌اند ماموریتی را که از آن‌ها انتظار می‌رفته به ثمر بنشانند. باید آسیب‌شناسی جامعی در عملکرد این نهادها انجام گیرد چرا که صرفا گذشت زمان به حل مشکل نخواهد انجامید و قطعا شرایط در صورت چاره‌جویی نشدن رو به وخامت می‌گذارد.

برنامه‌های کلان کشور، نگاه‌های خاص و تاکیدات ویژه‌ای به مقوله پیشگیری از وقوع جرم داشته‌اند. البته که برنامه ششم نیز رویکرد مطلوبی به این بحث دارد اما با وجود این، چرا در حالی که اسناد بالادستی بر این موضوع پافشاری می‌کنند، همچنان نتیجه مطلوب حاصل نشده است؟ به باور من، بخشی از این مسئله را باید پای ساختارهای بوروکراتیک در بدنه حاکمیتی نوشت. ساختارهایی که حل و فصل مشکلات را به هزارتوی پیچیدگی‌ها و دشواری‌ها فرو می‌اندازد، چنانکه فردی برای ایجاد یک کسب و کار یا اخذ یک وام و حتی احقاق حقش، باید فراز و فرودهای فراوانی را از سر بگذراند و چه بسا که توفیقی هم کسب نکند.

بخش دیگری از مشکلات ما نیز ناشی از بی توجهی به آموزش خانواده‌ها و یا اصلاح نظام آموزشی کشور در راستای ارتقای اخلاق اجتماعی است. بنابراین مجموعه‌ای از عوامل مذکور اجازه اثرگذاری لازم را به اقدامات انجام گرفته نمی‌دهد و بر ضریب نفوذ جرایم می‌افزاید.

در حال حاضر نظر به گسترش دامنه جرایم، نیاز است تا در رویکردهای قانونی نیز بازنگری‌هایی انجام پذیرد تا قانون جرم را پوشش دهد و عمدتا در مقام یک مولفه پیشگیرانه عمل کند.

همان طور که اشاره شد، رویکرد برنامه ششم توسعه در بحث پیشگیری از وقوع جرم مطلوب ارزیابی می شود، در این برنامه بودجه دستگاه قضا تقویت شده و زمینه های مطالعاتی و بسترهای کاهش جرم در جامعه مورد تاکید قرار گرفته است تا از این طریق بتوان جریان جرم را در جامعه مهار کرد. در این میان، به نظر می‌رسد به صرف تاکید نمی‌توان کاری را از پیش برد و نیاز مند یک نقشه راه و سند جامع هستیم؛ طرحی که تمامی ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و امنیتی را در بر بگیرد و همه دستگاه‌های متولی و حتی گروه‌های مردم نهاد را هم برای همراهی در مسیر پیشگیری، زیر یک چتر ببرد.

اگرچه مجلس و مرکز پژوهش‌های آن، این توان را دارد که در این خصوص گامی بردارد اما تاکید داریم که دستگاه‌های اجرایی و نهادهای متولی این امر که خود «مجری» نیز هستند، می‌توانند رویکردی جامع‌تر داشته باشند. امیدواریم در آینده نزدیک شاهد شکل گیری یک همگرایی برای تدوین این سند و حرکت به سمت برنامه‌های منسجم و یکپارچه پیشگیری باشیم.

۹۶۰۵۷۸۳۰/م